**١٠٤ - منظور از آفرينش عرفان و لقای حقّ است**

و نيز از حضرت بهاءالله در لوحی است. قوله الاعلی: "معلوم آنجناب بوده که مقصود از آفرينش عرفان حقّ و لقای آن بوده و خواهد بود چنانچه در جميع کتب الهيّه و صحف متقنه ربانيّه من غير حجاب اين مطلب احلی و مقصد اعلی مذکور و واضح است و هر نفسی که بآن صبح هدايت و فجر احديّت فائز شد مقام قرب و وصل که اصل جنّت و اعلی الجنان است فائز گرديد و بمقام قاب قوسين که ورای سدره منتهی است وارد شد و الّا در امکنه بعد که اصل نار و حقيقت نفی است ساکن بوده و خواهد بود اگر چه در ظاهر بر اکراس رفيعه و اعراش منيعه جالس باشد بلی آن سماء حقيقت قادر و مقتدر است که جميع ناس را از شمال بعد و هوی بيمين قرب و لقا رساند لو شاء الله لتکون الناس امة واحدة ولکن مقصود صعود انفس طيّبه و جواهر مجرّده است که بفطرت اصليّه خود بشاطی بحر اعظم وارد شوند تا طالبان جمال ذوالجلال از عاکفان امکنه ضلال و اضلال از يکديگر مفصول و ممتاز شوند کذلک قدر الامر من قلم عزّ منير."

و در لوحی است. قوله عزّ کبريائه: "طوبی لعالم ما جعل العلم حجابا بينه و بين المعلوم و اذ اتی القيوم اقبل اليه بوجه منير انه من العلماء يستدرک بانفاسه اهل الفردوس و يستضئی بنبراسه من فی السموات والارضين انه من ورثهة الانبياء من راه قد رأی الحقّ من اقبل اليه اقبل الی الله العزيز الحکيم."

و در لو حی ديگر است. قوله الابهی: "قد اردت فی کتابک علم ربک لعمری انه جنتی و يريد موجودا عندک من بدايع فضل مولاک العزيز العظيم هذا اصل العلم لو انت من العارفين فانظر الی العلماء انهم لما امنوا لم يصدق عليهم اسم العلم هم الجهلا عند ربک العليم الخبير."